



معاون فرمانده شورشی مارکوس

ژانویه ۲۰۱۳

«آنها و ما»

۴. رنج پایینی ها

تا به حال چند بارگشت ما رو تو خیابون به جرم "داشتن چهره ای" (۱) مشکوک یا داشتن موهای سیخ (۲) گرفتن و بعد از کتک زدن و اخاذی کردن از ما، گذاشتن که بریم؟ "سرکوب و جنایت"، اثر کروز نگرا آنارشیست مکزیکی. ژانویه ۲۰۱۳

و جوانی که امروز تو را به چشم قهرمان و نمونه کسی که سیستم سرکوبگر با او ناعادلانه رفتار کرده می بیند؟

"کدام قهرمان؟ قهرمان هر کدام از این جوانان هستند که هر روز بیرون می روند تا سازماندهی کنند و این اجتماع ناعادلانه و سیستم اقتصادی و سیاسی اش را تغییر دهند. آنها سازماندهی می کنند، از خود دفاع می کنند ...

آنها نباید بترسند، چون جهت ترس در حال عوض شدن است.
مصاحبه با آلفونسو فرناندز، زندانی از ۱۴ نوامبر (۳) در اسپانیا،
منتشر شده در **Kaos Red la en**. ژانویه ۲۰۱۳.

ما به یک دشمن احتیاج داریم تا به مردم امید دهیم.[...]
اما معنای هویت امروز بر تنفر بنا شده است، تنفر از آنهایی
که هم شکل ما نیستند. تنفر باید به عنوان بذر تمدن کاشته شود. دشمن،
دوست مردم است. تو همیشه دنبال کسی می گردی که از او متنفر باشی تا
بدبختی خود را توجیه کنی. همیشه.
تنفر از به واقع احساسی است بسیار کهن.
اوبرتو اکو. رمان قبرستان پراگ

کی و کجا خشونت آغاز شد؟

بذار ببینیم.

مقابل یه آینه، یه روزی، یه جایی ...

تصور کن توبا بقیه آدمها فرق داری.

تصور کن آدم خیلی متفاوتی هستی.

تصور کن که رنگ پوست یا موهای خاصی داری.

تصور کن که به تو بی احترامی شده، تحقیر شده ای، تهدید شده ای، حبس شده
ای یا به همین خاطر تو رو کشتن، به خاطر متفاوت بودن.

تصور کن از زمانی که به دنیا اومدی تمام سیستم بهت می گه و تکرار می کنه
که تو موجود عجیبی هستی، غیره عادی هستی، بیماری، که تو باید از آنچه که
هستی توبه کنی و بعد از این که اینو به بدشانسی یا خواست الهی نسبت دادی،
باید هر چه که از دستت بر می آید انجام بدی تا این "نقص تولید" رو اصلاح
کنی.

و خوب، مسلما، می بینی که ما دقیقا محصولی داریم که در یک کلام تاثیری
م-ع -ج-ز-ه-آ-س-ا روی نقص مادر ذاتی داره. این طرز تفکر تو رو از
شورش کردن و از این اخلاق مزاحم همیشه از همه چیز شاکی بودن، خلاص

می کنه. این کرم رنگ پوست تو رو عوض می کنه. این رنگ مو، رنگ مد روز رو بهت می ده. کلاس "چگونه دوست پیدا کنیم و در شبکه محبوب باشیم" همه چیزهای لازم رو برای اینکه یه فرد مدرن باشی به تو یاد می ده. این درمان، جوانیتو بهت بر می گردنه. این ویدیو بهت نشون می ده چطوری سر میز غذا، در خیابون، سرکار، تو رختخواب، هنگامی که مورد تهاجم غیرقانونی قرار می گیری (توسط دزدان)، یا هنگامی که مورد تهاجم قانونی قرار می گیری (توسط بانکها، دولت، انتخابات و تجارت‌های قانونی)، در گردهمایی‌های اجتماعی و ... رفتار کنی. چی؟

هان، تو رو به گردهمایی‌های اجتماعی دعوت نمی کنن؟...

خوب، اشکالی نداره، این به علاوه بهت می گه چی کار کنی تا دعوت بشی. نهایتاً، از این قسمت راز پیروزی در زندگی رو یاد می گیری. بیشتر از لیدی گاگا و جاستین بیبر طرفدار پیدا می کنی! به علاوه شامل یک ماسک به انتخاب خودت هم می شه. از همه نوعش داریم! حتی مدل CSG رو، میدونم، میدونم، این مثال بدی بود، اما برای هر سلیقه ای یک مدل داریم. دیگه با تنفر نگاه نخواهند کرد! دیگه ما رو آشغال، سرخپوست، کاکا سیاه، جهان سومی (۴)، زامبی یا عشق-زپاتیست خطاب نخواهند کرد!

تصور کن که علی الرغم تمام تلاش و کوشش و عمل خوبت، موفق نشی رنگ پوستت یا موهاتو پنهان کنی.

حالا تصور کن که کمپینی شروع شده برای از بین بردن همه افرادی که مثل تو ان.

اون طوری نیست که مراسمی برای آغاز این کمپین خواهد بود یا قانونی که اونو حمایت کنه، اما متوجه می شی که تمام سیستم با تو و با کسانی مثل تو شروع به مقابله می کنه. تمام اجتماع تبدیل به ماشینی میشه که هدف اصلیش نابود کردن توست.

در ابتدا نگاه‌هایی از عدم تأیید، انزجار و تحقیر وجود دارن. و در ادامه با فحاشی و تهاجم همراه می شه. بعدش دستگیریها، تبعید شدن‌ها و زندان‌ها هستن.

بعد از اون قتل. اینجا و اونجا، قانونی یا غیرقانونی. و در نهایت کمپینی عینی،
یه ماشینی که با حداکثر نیرو سعی می کنه تو رو و تمام کسانی مثل تو رو از
بین ببره. ماهیت کسانی که اجتماع رو می سازن با تنفر علیه تو تعریف می
شه. گناه تو چیه؟ متفاوت بودن.

تو هنوز هم اینو نمی بینی؟

باشه، پس تصور کن که تو ... (متن رو برای مذکر، مونث و یا هر موردی
شما رو در بر می گیره، صرف کنید)

[فرض کن که تو] بومی کشوری هستی که توسط خارجیها اداره می شه.
ناوگانی از هلیکوپترهای نظامی به سمت شما در حرکت اند. اما تو رسانه ها و
مطبوعات می نویسن که جلوگیری از ساختن نیروگاه بادی (۵) مانع از کاهش
آلودگی هواست یا اینکه جنگلهای بارانی در حال نابودی اند. سخنگوی دولت:
"اخراجها ضروری بودن تا از گرمایش زمین کاسته بشه."

[فرض کن که تو] سیاه پوستی هستی در سرزمینی که سفید پوستان در اون
حکومت می کنن. یه قاضی سفید پوست انگلوساکسون پروتستان (۶) خودشو
حاضر می کنه تا حکم تو رو بخونه. هیأت منصفه تو رو گناهکار شناخته. در
بین شواهد و مدارکی که بوسیله دادستان ارائه شده آنالیزی هم از رنگدانه های
پوستت وجود داره.

[فرض کن که تو] یهودی هستی در آلمان نازی. مأمور گشتاپو به تو زل زده.
و گزارش خواهد گفت که اونا به پاکسازی نژاد انسانی پرداختن.

[فرض کن که تو] یک فلسطینی در فلسطین امروزی. یکی از موشکهای ارتش
اسرائیل به سمت خونت، مدرسه ات، بیمارستان و محل زندگیت نشانه رفته.
فردا مطبوعات می نویسن که اسرایلیها به دنبال هدفهای نظامی اند.

[فرض کن که تو] که تو مهاجری در سمت دیگه یه مرزی. گشت پلیس مرزی
به طرفت میاد. فردا هیچ چیزی در روزنامه در نخواهد اومد.

[فرض کن که تو] یک کشیش، یک راهب یا یک فرد لائیکی که حامی فقر است، در وسط دولت شهر واتیکان. سخنرانی کاردینال خطاب به کسانی که در مسائل دنیایی دخالت می کنند.

[فرض کن که تو] یک فروشنده دورگردی، در یک مرکز خرید انحصاری واقع در یک محله مسکونی انحصاری. یک کامیون پر از پلیس ضد شورش می زنه کنار. از طرف نماینده دولت اعلام خواهد شد: "از تجارت آزاد دفاع کنیم".

[فرض کن که تو] زنی تنها، شب یا روز، در یک وسیله نقلیه عمومی پر از مردی. یک تغییر کوچک در درصد "خشونت جنسی" [پیش میاد]. مأمور پلیس خواهد گفت: "بعضیا [زنها] تنشون می خاره".

[فرض کن که تو] یک همجنسگرای تنهایی، شب یا روز، در یک وسیله نقلیه عمومی پر از سیبیل کلفت (۷). یک تغییر کوچک در درصد "خشونت هموفوبیایی" [پیش میاد].

[فرض کن که تو] یک کارگر جنسی در یک خیابون ناآشنا در محله ای خارج از محدوده هستی ... یک گشت پلیس می زنه کنار. رسانه ها: "دولت به طور مؤثر با تجارت سکس مبارزه می کند".

[فرض کن که تو] یک پانک، یک راستافری (۸)، یک اسکیت باز خیابونی، چولو (۹) یا یک هوی متال تو خیابون، در شب هستی ... یک گشت پلیس دیگه می زنه کنار. رئیس دولت: "ما جلوی هرج و مرج و رفتار ضد اجتماعی را می گیریم".

[فرض کن که تو] یک نقاش دیواری [گرافیتی] در حال نقاشی با اسپری در مرکز تجارت جهانی هستی ... یک گشت پلیس دیگه می زنه کنار. یکی از کارمندان رسمی دولت: "ما هر کاری که لازم است، انجام می دهیم تا شهرمان را برای توریستها زیبا و جذاب کنیم".

[فرض کن که تو] یک کمونیست در میتینگ جناح راست حزب فاشیست هستی. رهبر حزب: "ما مخالفت توتالیتاریسمی که به دنیا بسیار آسیب زده، هستیم."

[فرض کن که تو] یک آنارشیستی در میتینگ حزب کمونیست. دبیر کل حزب: "ما مخالف خرده بورژواهای منحرفی هستیم که بسیار به دنیای انقلابی آسیب زده اند."

[فرض کن که] برنامه خبری "۳۱ دقیقه" (۱۰) در منوی [بسیار] آگاهی بخش سی ان ان پخش می شه. تولیو تریوینو و خوان کارلوس بودوکو به چشمهای هم خیره می شن و هیچی نمی گن.

[فرض کن] یک باند موسیقی متفاوت سعی می کنه که سی دی شو تو کنسرت لیدی گاگا، مدونا، جاستین بیبر یا یکی که دنباله روشنه بفروشه. پلیس نزدیک می شیه. هوادارها با عصبانیت فریاد می زنند.

[فرض کن] یک هنرمند، بیرون مرکز فرهنگی، جایی که گروه بالت بلشو برنامه اجرا می کنن، می رقصه (بله، ورود فقط با دعوتنامه است، ما متاسفیم خانم، شما اینجا راه رو سد کردید). مامورین امنیتی وارد عمل می شن تا دوباره نظم رو برقرار کنه.

[فرض کن که تو] یه فرد پیری در جلسه ای که به ریاست وزیر اقتصاد ژاپن (وزیر اقتصاد ژاپن در استانفورد تحصیل کرده و اخیرا از پیرمردان و پیرزنان خواسته که "عجله کنن و بمیرن" چون هزینه زندگیشون خیلی [برای دولت] زیاد شده). همچنان از بودجه کمکهای اجتماعی کاسته می شود.

[فرض کن که تو] یه منتقد ناشناس "کپی رایتی" در جلسه سهامداران مایکروسافت-اپل. مطبوعات خواهند نوشت: "یک هکر خطرناک در پشت پرده."

[فرض کن که تو] یک مپوچو جوان در شیلی هستی که مدعی سرزمین آبا و اجدادیشه، در حالی که ورود تانکها و [سربازای] سبز متهاجم ارتش رو تماشا

می کنه. گلوله ای که پشتشو به طور مرگباری زخمی می کنه بدون هیچ مجازاتی به راهش ادامه خواهد داد.

یک فرد جوان یا دانشجو یا فردی بیکار در بازرسی پلیس/بسیج/ارتش/نیروی انتظامی هستی. آخرین چیزی که می شنون؟ "آتش!"

یک بومی ناهوآ در دفتر شرکت معدنی بین المللی. مردان لباس شخصی اونو می دزدن. دولت محترم: "ما در حال تحقیق هستیم."

[فرض کن که تو] یه دگراندیشی در مقابل دیواری از بست خاکستری، در حالی که در طرف دیگه طبقه سیاسی مکزیکی، دواي تلخ یک سرکوب دیگه رو قورت می ده (۱۱). تو با شلیک یک گلولهء پلاستیکی که چشمتو از حدقه بیرون می یاره یا جمجمه تو می شکافه، مجروح می شی. تیتز مطبوعات: "فراخوان به اتحاد به خاطر منافع کشور. امروز زمان آن است که اختلافات را کنار بگذاریم."

[فرض کن که تو] یه رعیتی مقابل یه لشکر وکیل و پلیس که به خودش اجازه می ده که بگه زمینی که کشت می کرده، که توش بدنیا اومده و پدر و مادرش، پدربزرگهش و مادربزرگهش و اجدادش هم همین طور و تا وقتی که کسی یادش میاد اونجا زندگی می کردن، حالا جزء دارایی های "شرکت املاک و مستغلاته" و این که دارن از کسبه فقیر منطقه اون چیزی رو که قانونا متعلق به اوناست می دزدن. زندان.

[فرض کن که تو] مخالف تقلب در انتخاباتی که می بینه که ۴۰ دزد و چکمه پوشاشون تبرئه می شن (۱۲). طنز [جک روز]: "لازم است که این صفحه را ورق بزنینم و به جلو نگاه کنیم."

[فرض کن که تو] مردی یا زنی هستی که اومده ببینه این همه سر و صدا برای چیه و یه دفعه بوسیله نیروی حافظ نظم "محاصره" می شی. در حالی که هلت می دن، کتکت می زن و بهت لقد می زن تا به سمت پاترول ببرنت، می تونی ببینی که دوربین یه شبکه تلویزیونی معروف یه طرف دیگه رو می گیره.

[فرض کن که تو] یه بومی زاپاتیست هستی که سالهای زیادیه که تو زندان دولت بد (MC-PRD-PAN-PRI). تو روزنامه می خونی: "چرا ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستی حالا که سازمان حزب انقلابی (PRI) روی کار اومده، دوباره برگشته؟ خیلی مشکوکه."

می تونی حرفمو دنبال کنی؟

حالا ...

مطمئن شدی که خارج از نورمی؟

می ترسی که بهت بی اعتنائی بشه، بهت توهین کنن، کتک بخوری، مسخره بشی، بهت تجاوز بشه، زندانی بشی، به قتل برسی، تنها به خاطر بودن اون چیزی هستی؟

احساس عجز میکنی چون نمی تونی کاری برای پیشگیری از این اتفاقات، برای دفاع از خودت و برای اینکه صدات شنیده بشه انجام بدی.

داری لعنت میکنی اون روزی رو که به اینجا اومدی، روزی که توش به دنیا اومدی، لحظه ای رو که شروع به بخوندن این متن کردی؟

بسیاری از مثالهایی که در بالا به آنها اشاره شد، اسم، تاریخ و مکانی دارند:



Juan Francisco "Kuy" Kuykendall

خوان فرانسیسکو کویکندای لئاً. "کمپا کوی"، هوادار اعلامیه ششم، استاد دانشگاه، دراماتور، کارگردان تئاتر. در روز اول دسامبر ۲۰۱۲ بر اثر برخورد گلولهء "نیروهای حافظ نظم" (۱۳)، مجسمه اش شکافته شد. او قصد داشت تئاتری درباره انریکو پنا نیتو روی صحنه ببرد.



Uriel Sandoval

خوزه اوریل ساندووال دیاز. دانشجوی جوان دانشگاه مکزیکوسیتی و عضو شورای دانشجویان مبارز. او یکی از چشمانش را در سرکوب اول دسامبر ۲۰۱۲ در اثر حمله "نیروهای حافظ نظم" از دست داد. وی خواستار استعفای انریکو پنا نیتو بود.



Celedonio Prudencio Monroy

سلدونو پرودنسیو مونروی. بومی ناهوا. در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۱۲ توسط "نیروی حافظ نظم" ربوده شد. او برای مقاومت در برابر تصرف زمینهای

بومیان نوهوآ توسط شرکتهای استخراج معدن و وبلاگ نویسان سازماندهی می کرد.



Adrián Javier González Villarreal

آدریان خاویر گونزالس ویارآل. دانشجویی دانشکده مهندسی مکاترونیک در دانشگاهنوو لئون مکزیک، در ژانویه ۲۰۱۳ توسط "نیروهای حافظ نظم" به قتل رسید. می خواست فارغ التحصیل شود و متخصصی موفق گردد.



Cruz Morales Calderón



Juvencio Lascurain

کروز مورالس کالدرون و خونسیو لسکوران. دهقانان فقیری که در وراکروز در سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۱ به اسارت "نیروهای حافظ نظم" درآمدند. آنها در حال سازماندهی مقاومت در برابر تصاحب زمینهای بومیان مایوچو توسط شرکتهای املاک و مستغلات بودند.



Matías Valentín Catrileo Quezada

ماتیاس والننن کاتریلئو. بومی جوان مایوچو، در ۳ ژانویه ۲۰۰۸ در شیلی، امریکای لاتین توسط "نیروهای حافظ نظم" به قتل رسید. او مخالف تصاحب زمینهای بومیهای مایوچو توسط دولت، زمینداران بزرگ و شرکتهای فراملی بود.



Francisco Sántiz López

فرانسیسکو سانتیز لویز، بومی زاپاتیست، ناعادلانه از طرف "نیروهای حافظ نظم" دستگیر شد. او برای مقابله در برابر دولتهای سرکوبگر خوان سبینس گوررو و فیلیپه کالدرون اینوخوسا سازماندهی می کرد.

حالا دیگه ... ناامید نشو، تقریبا موفق شدیم ...

حالا تصور کن، که ترسی نداری و یا اگه می ترسی می تونی اونو کنترل کنی.

تصور کن که بری جلو آینه و نه تنها تفاوت هات رو پنهان نمی کنی یا نمی پوشونی، بلکه پررنگترش می کنی.

تصور کن که از تفاوتها زره و اسلحه ای می سازی، تا از خودت دفاع می کنی، تا کسانی مثل خودتو پیدا کنی، تا سازماندهی کنی، مقاومت کنی، مبارزه کنی و حتی بدون آن که متوجه بشی از "من با بقیه متفاوتم" بگذری به "ما با بقیه متفاوتیم."

تصور کن که تو [دیگه] پشت سر "بلوغ فکری"، "عقل سلیم"، "الان وقتش نیست"، "الان شرایط مناسب نیستن"، "باید صبر کرد"، "بی فایده است" یا "غیره قابل جبران" قایم نمی شی.

تصور کن که تو خوتو نمی فروشی، سست نمی شی، تسلیم نمی شی.

می تونی اینو تصور کنی؟

خوب، حتی اگه نه من و نه ما هنوز نمی دونیم، ما جزئی از یک ما هستیم که خیلی بزرگتره و هنوز باید ساخته بشه.

(ادامه دارد ...)

از یک گوشه ای در یک جهانی

معاون فرمانده مارکوس

سیاره زمین

ژانویه ۲۰۱۳

کلماتی که در متن در گروه هستند، در متن اصلی نیامده اند.

(۱): در متن اصلی به جای داشتن چهرهای مشکوک نوشته شده "حمل چهره ای مشکوک"

(۲): کلمه به کار برده شده در متن اصلی به معنای موهای تاج مانند است مثلاً ۱۵-۱۰ (cm) مثل پانکها. [خروسی]

(۳): در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲ در اعتراضات در اسپانیا دستگیر شده است.

(۴): کلمه به کار رفته در متن اصلی "منطقه چهری" است که اشاره دارد به تقسیم بندی امریکای لاتین توسط ایالات متحده. این کلمه به عنوان تحقیر به کار میرود و معنایی مثل جهان سومی دارد.

(۵): اشاره دارد به طرح کنسرسیومهای امریکایی در مکزیک (در استموس، اوخاکا) که راستای طرح Puebla Plan Panama تصمیم به نصب توربینهای بادی در آبهای اقیانوس و در امتداد ساحل به طول ۲۷ کیلومتر گرفته اند (۱۰۲ توربین در مرحله اول و ۲۷ توربین در مرحله بعدی به علاوه ساخت ۵ حوض پهلوگیری جدید در آبهای اقیانوس). این آبها محل ماهیگیری و درآمد مردم بومی هستند (مردم این منطقه را دریانوردان نیز می نامند)، ساخت این مزرعه بادی زندگی مردم بومی را عملاً فلج خواهد کرد و آسیب قبل توجهی به محیط زیست منطقه نیز وارد خواهد کرد.

<http://upsidedownworld.org/main/mexico-archives-79/3952-indigenous-communities-in-mexico-fight-corporate-wind-farms>

(۶): کلمه به کار برده شده در متن اصلی WASP است که مخفف (قاضی) سفید پوست انگلوساکسون پروتستان است.

(۷): کلمه به کار برده شده در متن اصلی Macho به معنی مردی که از مردانگی اش احساس غرور می کند.

(۸): یک فرقه مذهبی که در دهه ۳۰ (۱۹۴۰-۱۹۳۰) در جامائیکا بوجود آمد.

(۹): یکی از اسامی بومیان امریکا

(۱۰): "۳۱ دقیقه" نام شویی است در تلویزیون شیلی که کارکترهای عروسکی آن تولیو تریوینو و خوان کارلوس با تقلید حرکات شخصیت‌های معروف، آنها را دست می اندازند.

(۱۱): اصطلاح به کار برده شده در متن اصلی به معنای لغوی قورت دادن قورباغه است. یعنی دولت حاضر است بدنامی و پیامد خشونت را قبول کند.

(۱۲): "۴۰ دزد" (علی بابا و ۴۰ دزد) اشاره دارد به ۳۰ فرماندار و اعضای کابینه دولت که در اجرای برنامه "مبارزه ملی در برابر گرسنگی" توسط انریکو پنا نیتو در مارگاریتاس چیاپاس (منطقه ای که تحت نفوذ زاپاتیستها است) همکاری کردند. همچنین به طور کلی هم برای اشاره به طبقه سیاسی مکزیکی توسط معاون فرمانده مارکوس به کار برده می شود.

(۱۳): نیروی حافظ نظم (یا نیروی انتظامی) برجسته شده تا به تناقض اسم و عمل آن اشاره شود.